



Translate Luna

Clean Luna

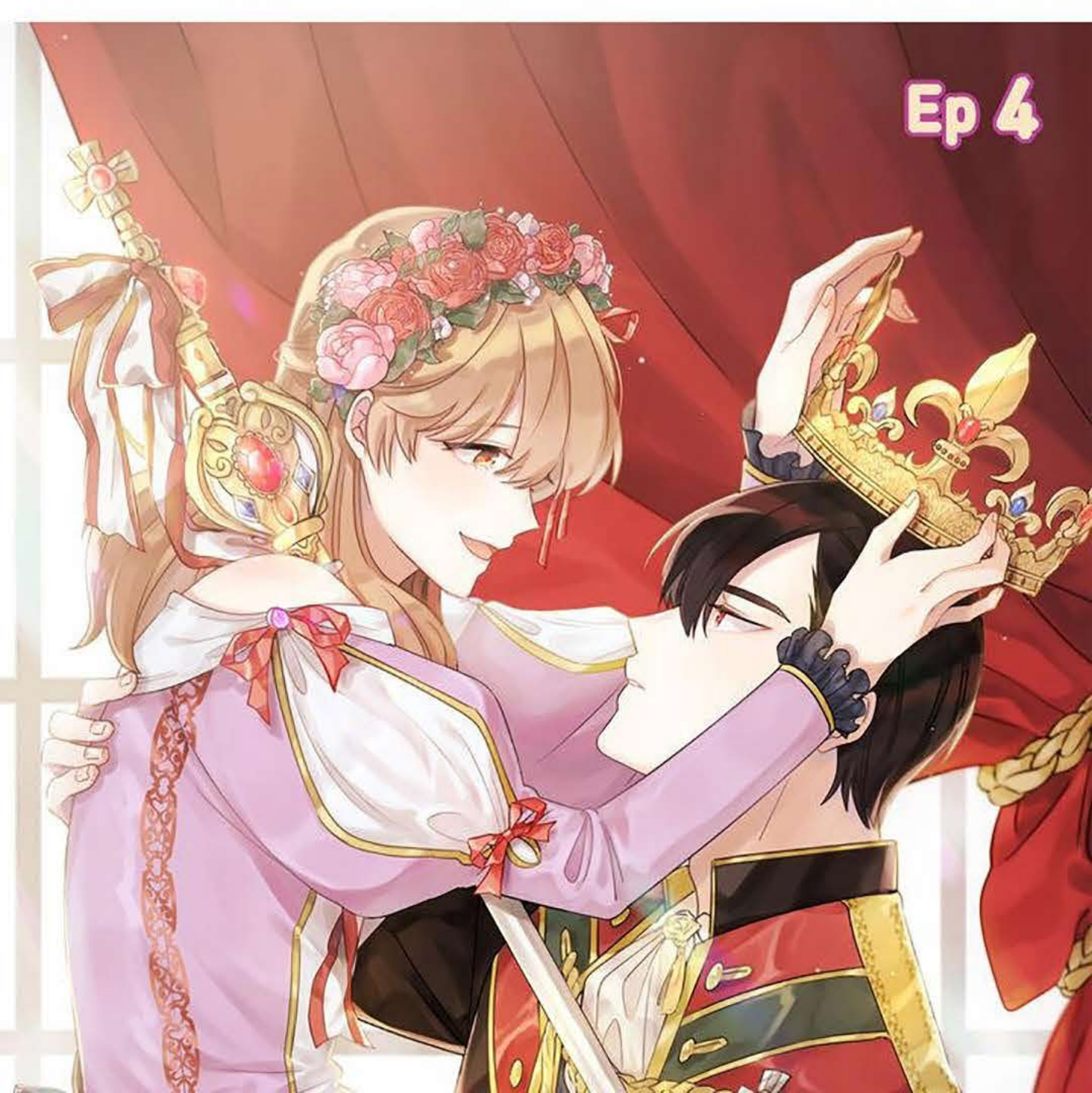
Type Chika

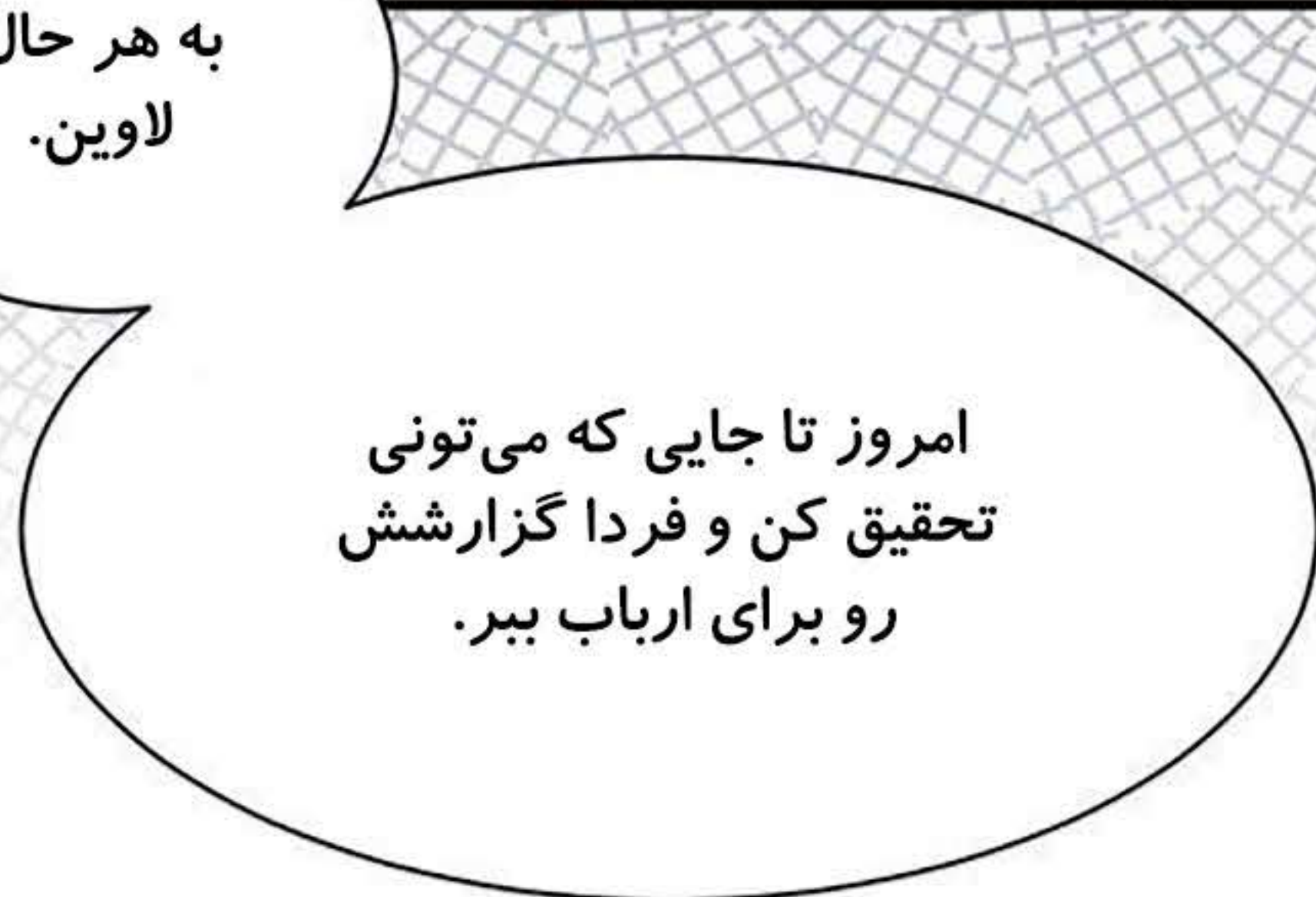
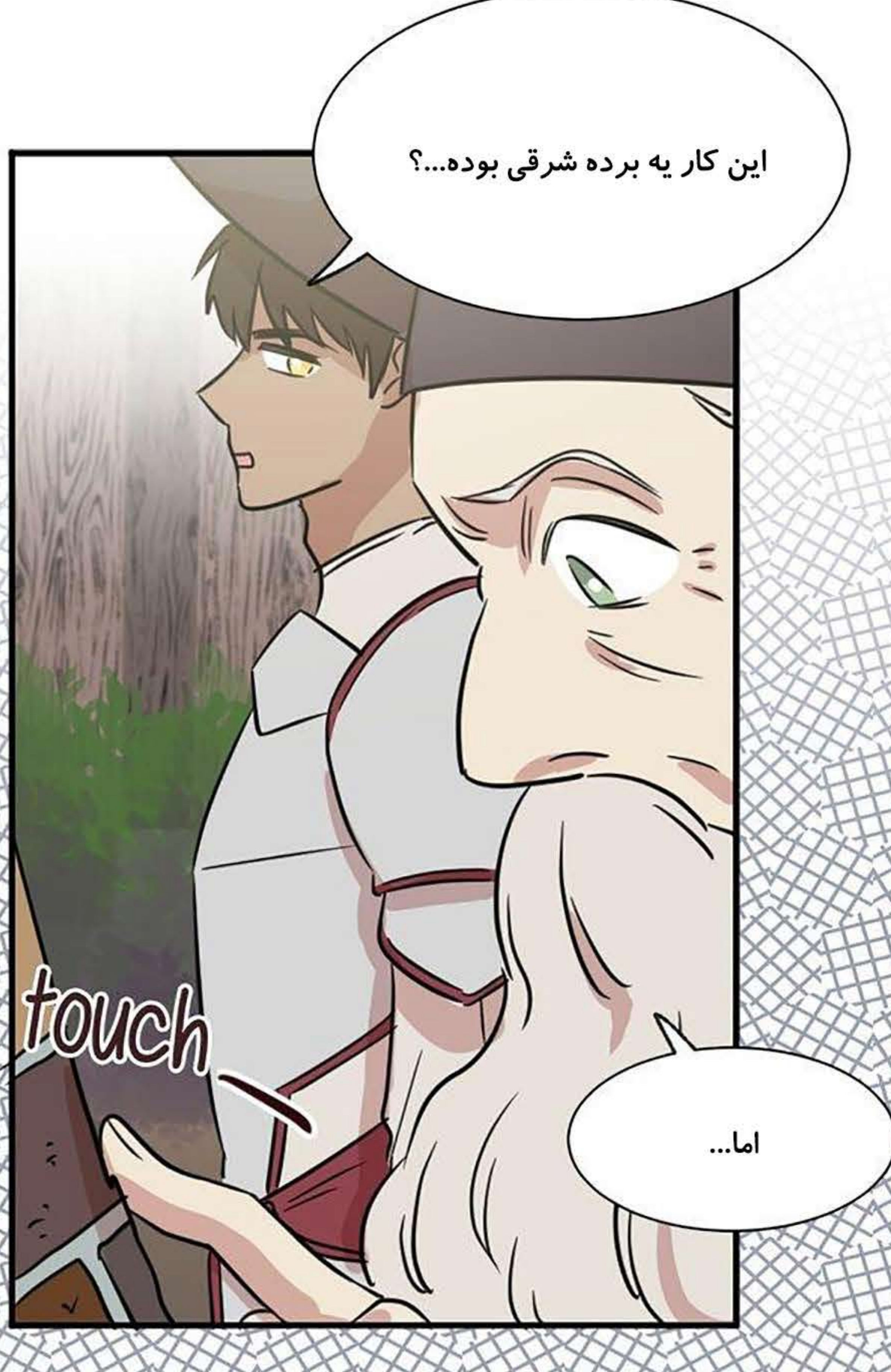


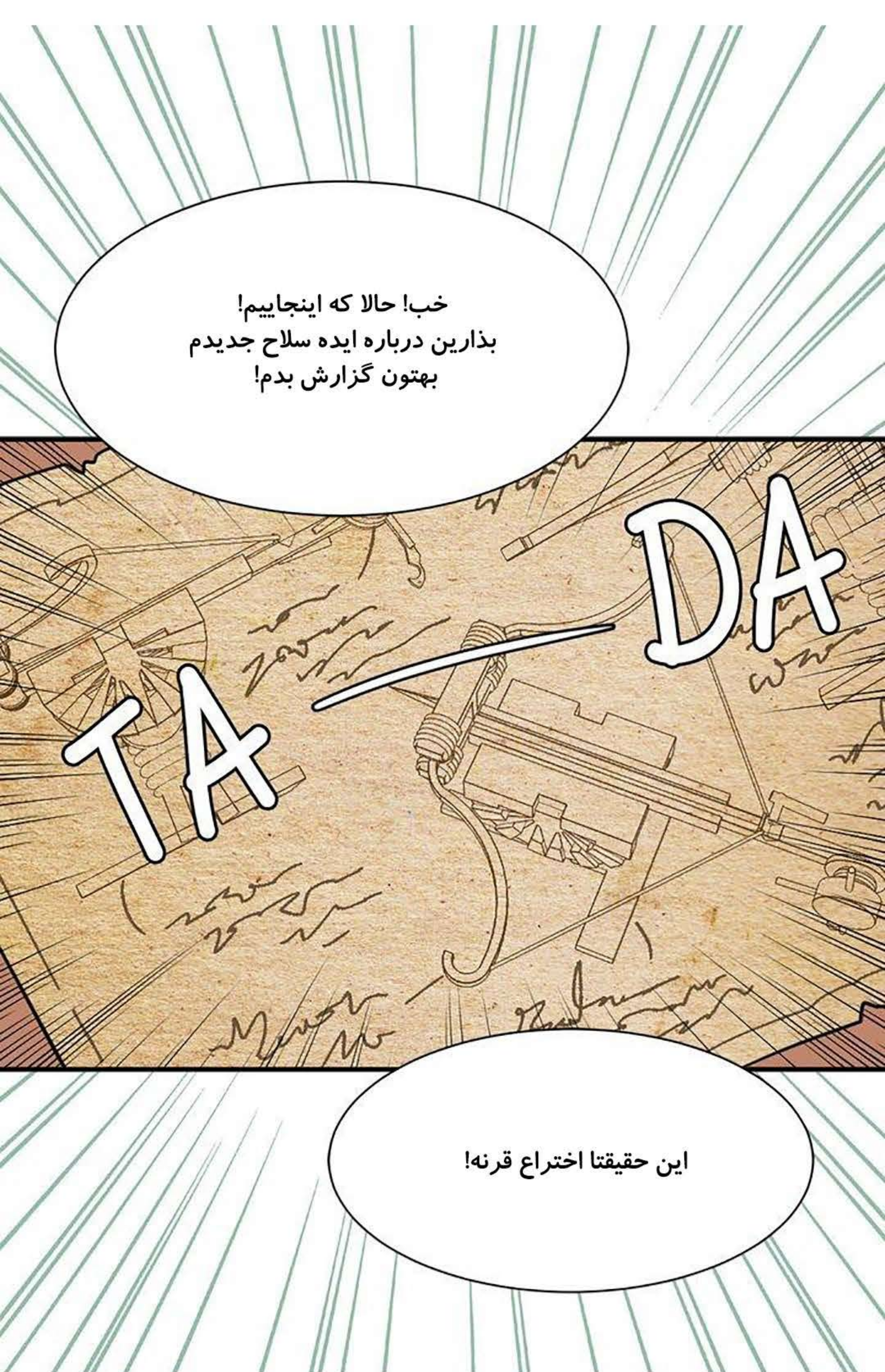
[T.me/IriSekai](https://t.me/IriSekai)



[instagram.com/IrisSekai](https://www.instagram.com/IrisSekai)







مزاحم ارباب نشو...

کارای من  
خیلی جلوتر از زمان  
خودشونن!

rustle  
" "

کروم خری اونباست؟

whoosh

thwack!

...?! ?! ?!

rustle

Iris  
Sekai  
Time/  
IrisSekai

یعنی چیزی  
اینجا نبود...؟

whoosh~

مطمئنم به نفر داشت  
نگاهمون می کرد...



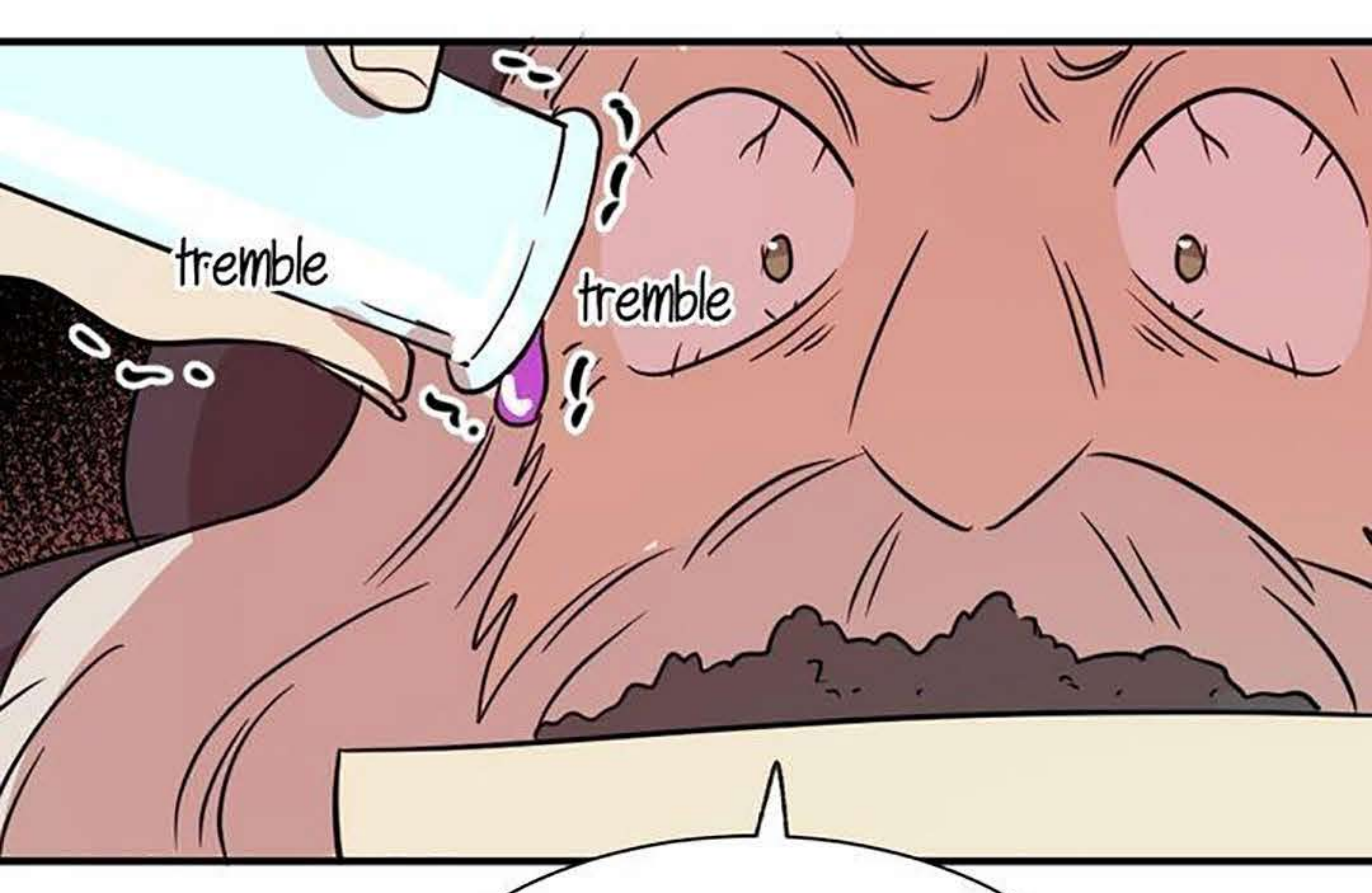
همون شب



شگفتا~!  
چقدر خفن! آتیش  
روی آب می سوزه.



انقدر ول نگرد یه غلطی بکن!



ارباب دستور داده بهش  
یه نگاهی بندازم و در زودترین  
زمان ممکن گزارش بدم!

knock  
knock





هوی، کدوم خری پشت دره؟



اگه کسی جز خود ارباب پشت دره،  
ردش کن بره! کدوم شل مغزی این  
وقت شب مزاحم می شه...

اون...

اون یه بچه گوگولیه.



مهمون اون شب...



... پسری بود با لیخندی  
اغواگر و وسوسه انگیز.

اینجا  
خونه تکنسین اسلحه ساز،  
جناب لاوین ه؟



د... درسته!  
من لاوینم، و تو  
کی هستی؟



~ تکنسین اسلحه ساز

م - من ...

نه،



منو رینو صدا بزن!

Rino\*



چطوری شد که اینطوری شد؟



بیا یه روز بریم عقب.

من داخل دنیایه که خودم  
رمانش رو نوشتم گیر افتادم.





باید تا زمانه که یه نفر منو داخل  
دنیا بیرون نجات بده زنده بمونم!



اولین قدم زنده موندن اینه که...



...از بردگی...

اونجا جاییه که  
اوراق بردهامو نگه  
می‌دارم!!



...آزاد بشم!



یا کوبیده با  
مفلقات!

این آتیش عجیب  
دیگه چیه؟!





برده‌ها دارن  
فرار می‌کنن!

دیگه هرگز هیچ آداب و رسوم  
پدی داخل رمان‌هام نمی‌نویسم...

~ فکر خورم



در حال حاضر از  
اضافه کردن برده‌ها به  
خط داستانی پشیمونه.

حُبِ دیگه، اصلاً انتظار نداشتم  
مهارتی که توی دپیروستان یاد گرفتم  
(اینجا به مردم پُخوره،



آتیش یونانی؟  
سلاحای قرون وسطایی؟

بیا درستش کنیم!  
می‌تونم باهاش مدرسه  
رو به آتیش بکشم!



~ یاح یاح یاح

ذهنش از استرس  
پذیرش کالج به فنا رفته

حالا نوبت قدم نقشم برای زنده موندنه.





انجام دادنش منو  
عصبی می کنه، اما توی  
هر دنیایی



زنده موندن یه مرد نسبت به یه زن...



و خب این منو به اینجا آورده.



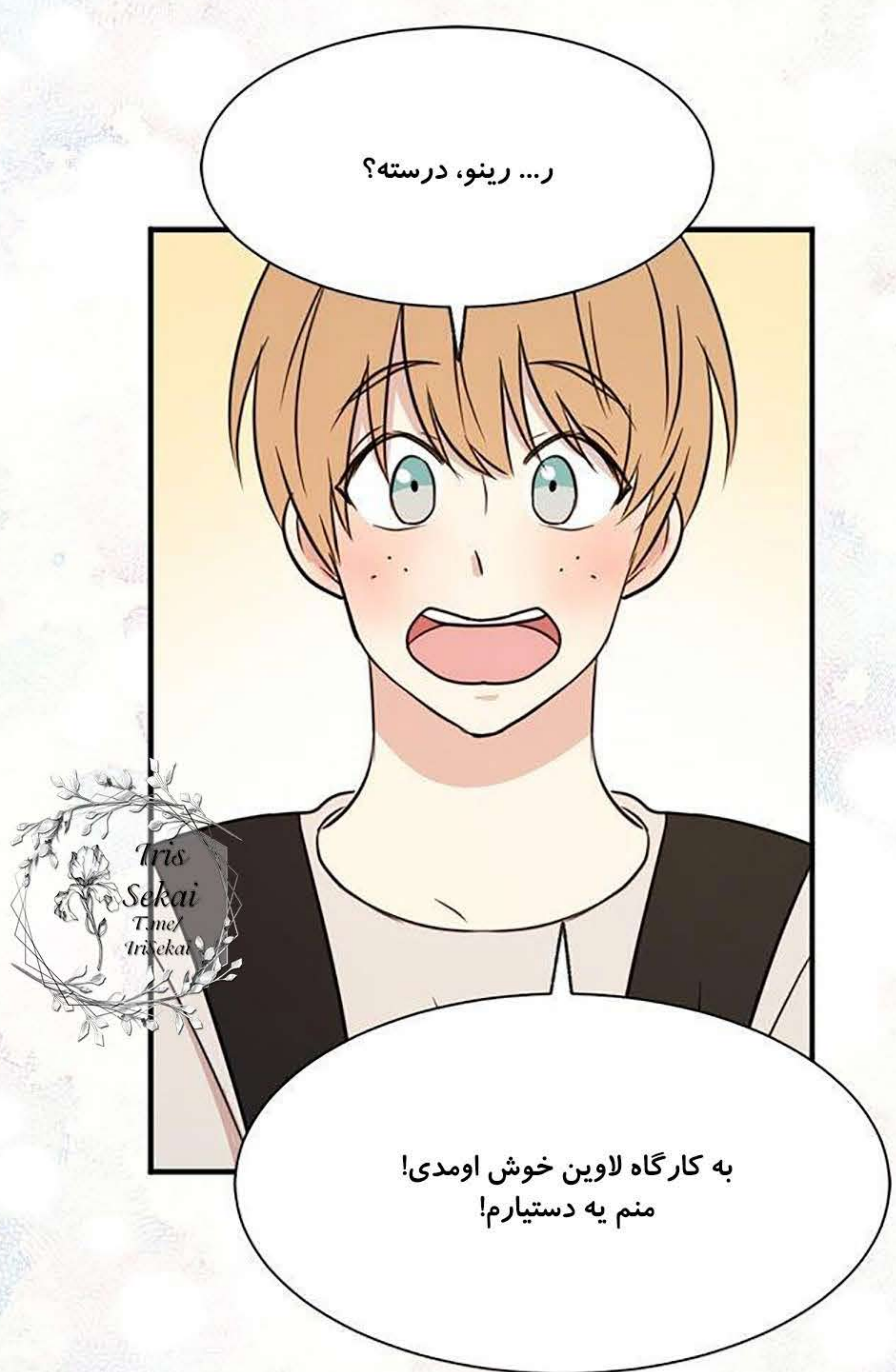
این به تغییر قیافه عالیه.

بستن  
سینه‌ها

شنل

he heh





به کارگاه لایین خوش اومدی!  
منم یه دستیارم!



هاه؟

...می بینم که تو  
شرقی هستی!



احتمالا تو یه برده... آخ!

بی خیال! هیچ برده ای نمی تونه  
انقدر سلیس به زبون ما حرف بزنه!

pah



مُخپ، از وقتي مترجم رو  
آپديت کردم می تونم.



به خاطر اینکه که درون این بچه  
یه زن پخته سی ساله قرن بیست و یکمی  
زندگی می کنه.

